مخاطبان اصلی صرفه جویی انرژی

از جمله سؤالهایی که همواره مطرح‏ می‏شود آن است که در برنامه‏های‏ آگاه‏سازی صرفه جویی در بخش انرژی‏ مخاطبان اصلی چه دسته‏ای از مصرف کنندگان‏ را تشکیل می‏دهند.در این مطلب به ور خلاصه سعی شده به این سؤال پاسخ داده‏ شود.

به طور کلی تعیین کنندهء مخاطبان اصلی‏ برنامه‏های آگاه سازی،حجم مصرف و امکانات صرفه جویی مصرف کنندگان است.در مورد حجم مصرف انرژی در کشور بررسی‏های به عمل آمده در طرح‏"بهره‏گیری و و کاربرد بهینه انرژی‏"که با برآورد تعدیل شده و جدید از مصارف در 21 جلد در مؤسسه مطالعات بین‏المللی انرژی انجام‏ گرفته نشان دهنده برخی نکات جالب است. برای مثال مهمترین مصرف کنندگان انرژی به‏ ترتیب عبارتند از:بخش صنعت(23 درصد)، بخش خانگی(22 درصد)،خودمصرفی بخش‏ انرژی(5/21 درصد)،بخش حمل و نقل‏ (9/17 درصد)،بخش کشاورزی(4/5 درصد)،بخش تجاری(6/3 درصد)،و بالاخره دیگر بخش‏های اقتصادی(6/6 درصد).لکن همین مطالعات از دیدگاه اقتصاد کلان و نیز از دیدگاه جغرافیایی،تفکیک‏ دیگری نیز به دست می‏دهد که واجد اهمیت‏ فوق‏العاده از نظر تعیین مخاطبان اصلی‏ است.مثلا می‏دانیم که بخش دولتی‏ مصرف کننده حدود 50 درصد از کل انرژی‏ مصرفی کشور است و بخش خصوصی نیز 50 درصد دیگر را به مصرف می‏رساند.از دیدگاه جغرافیایی نیز می‏دانیم که حدود 90 درصد از کل مصرف انرژی مربوط به‏ فعالیت‏های جوامع شهری و 10 درصد باقی مانده مربوط به جوامع روستایی است. لکن از دیدگاه امکان صرفه جویی در مصرف‏ انرژی نکات بارز دیگری مطرح است که در تعیین مخاطبان اصلی باید مورد توجه قرار گیرد.

نکته نخست آن که هیچکدام از بخشهای‏ اقتصادی توان کاستن از شدت انرژی را به‏ اندازه بخش‏های صنعت و صنایع مولد انرژی‏ ندارد.این دو بخش هم از نظر نیروی‏ انسانی دارای تخصص کافی هستند و هم‏ (به تصویر صفحه مراجعه شود)تجربه سایر کشورها نشان داده است که‏ دارای بالاترین پتانسیل برای صرفه جویی و در واقع بالاترین تلفات می‏باشند.مثلا در صنایع انرژی کشور ما،راندمان انرژی‏ مصرفی بین 30 تا 60 درصد کمتر از صنایع‏ مشابه در کشورهای پیشرفته صنعتی است.در صنایع برق،راندمان انرژی حدود 30 درصد و در صنایع پالایشی نفت حدود 60 درصد کمتر از موارد مشابه در کشورهای پیشرفته‏ است.

نکته دوم آنکه بخش دولتی به لحاظ تمرکز بالاتر و دسترسی به امکانات بیشتر پتانسیل بالاتری برای صرفه جویی در انرژی‏ دارد.تمرکز بالاتر بدین معنی است که چگالی‏ مصرف انرژی در این بخش به مراتب بالاتر از چگالی مشابه در بخش خصوصی است.در توضیح این مطلب کافی است اشاره شود که‏ مجموعه انرژی مورد نیاز مصرف کنندگان‏ دولتی در نزدیک به 100 هزار مکان‏ (کارخانه‏های دولتی،ادرات،مدارس و...)به‏ مصرف می‏رسد و در صورتی که‏ مصرف کنندگان کوچکترین بخش دولتی را حذف‏ کنیم خواهیم دیدکه متجاوز از 90 درصد از مصرف این بخش در کمتر از 10 هزار مکان به‏ مصرف می‏رسد که به طور عمده شامل صنایع‏ و تأسیسات بزرگ دولتی می‏شود.این در حالی است که مصرف بخش خصوصی از پراکندگی بسیار گسترده برخوردار است و طبق‏ آخرین برآوردها،انرژی مورد نیاز در این‏ بخش در حدود 14 میلیون مکان(اعم از مسکن و محل کار و فعالیت)به مصرف‏ می‏رسد.

نکته سوم نیز در مورد اهمیت به مراتب بیشتر شهرها در مصرف انرژی و در واقع‏ تلفات انرژی است که نیاز به توضیح بیشتر ندارد.

با توجه به نکات بالا تردیدی نیست که‏ مخاطبات اصلی صرفه جویی در مصرف انرژی‏ را باید به ترتیب اهمیت مصرف کنندگان به‏ شرح زیر دانست:

1.صنایع تولید کننده انرژی که عمدتا در بخش دولتی قرار گرفته‏اند،

2.صنایع و تأسیسات بزرگ دولتی،

3.صنایع بخش خصوصی و به ویژه‏ صنایع بزرگتر بخش خصوصی، 4.جامعهء شهرنشین به طور اعم و به ویژه‏ در شهرهای بزرگ و آن هم در ارتباط با کاستن‏ از مصرف انرژی برق در ساعات پیک مصرف‏ و کاستن مصرف نفت سفید و نفت گاز.

البته تردیدی نیست که طرف خطاب قرار دادن و آگاه ساختن هر یک از بخش‏های بالا نیازمند تکنیک‏های خاص خود است که‏ برخی از آنها در تبصره 19 قانون برنامه دوم‏ مشخص شده است.برای مثال و صرفه نظر از مکانیسم قیمت‏گذاری و تشویق‏ها و تسهیلات‏ مادی در مورد صنایع و تأسیسات بزرگ، تربیت مدیر انرژی،از راههای مطمئن کاستن‏ شدت انرژی در صنایع است.